

فرهنگ واژگان مالی

دکتر حسین عبده تبریزی
پرویز صداقت

مقدمه

در این قسمت، به تدریج اصطلاحهای انگلیسی مالی و معادل‌های فارسی آنها معرفی شده، و نیز برای هر مدخل شرحی مختصر عرضه می‌شود.

تمایز واژه‌های مالی از غیر مالی چندان کار آسانی نیست، چراکه فصل مشترک حوزه‌هایی چون حسابداری، مالی، اقتصاد خرد، بانکداری عملی، ... گسترده است، و در واقع تمایزها و تفاوتها اعتباری و نسبی است.

واژه‌های مالی و سرمایه‌گذاری در زبان فارسی به دلیل کاربرد محدود و نیز ساختار اقتصادی متفاوت جامعه ما هنوز چندان جا نیفتاده است. به دلیل ساختار متفاوت، بسیاری از نهادها و ابزارهای مالی عملاً جایی در اقتصاد ایران ندارد، و از این رو، ترجمه آنها به فارسی، صرفاً گریه برداری از واژه فرنگی است، و برای خواننده فارسی زبان بسیار نامأنوس است.

طبق برآورد ما، حداقل ۷۰۰۰ واژه مالی و سرمایه‌گذاری وجود دارد که معادل‌سازی برای همه آنها وظیفه‌ای بس دشوار است، و شاید حتی ۱۰۰ واژه از آن میان برابره‌های فارسی مقبول

ندارد. به این دلیل، پرداختن به این مهم، بضاعتی فراتر از توان ما می‌خواهد. آنچه ما در این صفحات عرضه می‌کنیم صرفاً سیاه مشق است. باید مدتها بگذرد، و برابری‌های رساتری برای اصطلاحهای خارجی متداول شود، و یا با پاگیری نهادهای بازار پول و سرمایه، واژه‌های مورد نیاز فراگیر شود، تا فرهنگ اصطلاحات مالی و سرمایه‌گذاری جامعی پدید آید. از خواننده علاقه‌مند دعوت می‌شود با پیشنهاد معادلهای مورد نظر و اظهار نظر نقادانه در مورد این صفحات، در پیشبرد این امر مهم مشارکت فرمایند.

AAA bond**اوراق قرضه سه A**

در طبقه‌بندی درجه اوراق بهادار، اوراق قرضه سه A اوراق قرضه تراز اولی است که بالاترین پوشش را از لحاظ اصل و بهره دارد؛ یعنی نسبت به پرداخت اصل و بهره آن اطمینان کامل برقرار است و خطر اینکه اصل یا بهره اوراق پرداخت نشود، بسیار ناچیز است.

top-rated bond**abandon****ترک قرارداد**

پس گرفتن یا باطل کردن یک قرارداد سودآور یا عایدی‌ساز از طریق پرداخت جریمه ابطال

ability to pay**توانایی پرداخت**

توانایی برآورد شده وام گیرنده یا ناشر اوراق بهادار در پرداخت اصل، فرع (بهره)، و یا سود سهام وام، اوراق قرضه، سهام، و سایر انواع سرمایه‌گذاری به هنگام سررسید پرداختها. منظور این است که وام گیرنده یا ناشر اوراق بهادار منابع کافی برای نقدینگی و انجام تعهدات در سررسید دارد. توانایی پرداخت را بر حسب «ثروت» یا کل داراییها و یا محدودتر بر حسب داراییهای سیال و حتی نقدینه (صندوق) می‌توان اندازه‌گیری کرد. در مورد تعیین توانایی پرداخت به منظور مالیات‌بندی، «درآمد» نیز معیار مناسبی است که غالباً توانایی پرداخت «نسبی» را تعیین می‌کند.

above par

بیش از بهای اسمی

تفاوت بهای جاری اوراق قرضه و بهای صوری (اسمی) آن که به صورت درصد بیان شود. (مثال: سند قرضه ۵۰۰۰ دلاری که مظنه آن ۱۱۰ درصد باشد، ۵۵۰۰ دلار قیمت‌گذاری می‌شود.) این معادل شبیه اصطلاح به صرف (premium) معامله کردن است، و منظور از آن قیمت یا مظنه بازار یک ورقه بهادار یا شیء با ارزش منهای ارزش اسمی آن است.

absolute primary rule

قاعده اولویت مطلق

ترتیب اولویتی که طبق آن شرکت ورشکسته بدهیهایش را می‌پردازد؛ مثلاً، نخست به بستانکاران، آنگاه به سهامداران ممتاز، و نهایتاً به سهامداران عادی پرداخت می‌کند.

absorbed

جذب شده

سهام تازه منتشر شده‌ای که تماماً در بازار به فروش رسیده، و از این رو، در بازار کاملاً جذب شده است.

absorptive capacity

ظرفیت جذب

بیشترین مقدار اوراق بهادار که بازار می‌تواند بپذیرد، بدون آنکه تغییری عمده در وضعیت موجود پدید آید، مثلاً قیمت اوراق به شدت کاهش یابد.

accelerated cost recovery system (ACRS)

نظام بازایالت تسریعی قیمت تمام شده

این نظام به قاعده ۱۰ - ۵ - ۳ نیز معروف است و منظور از آن استفاده از جدولهای استهلاک اتومبیل (سه ساله)، تجهیزات و ماشین‌آلات (پنجساله) و ساختمانهای اجاره‌ای (دهساله) است. این نظام متناسب با مقررات مالیاتی سال ۱۹۸۱ امریکاست و برای محاسبه استهلاک داراییهای مورد بهره‌برداری بعد از سال ۱۹۸۰ کاربرد دارد.

accountant's opinion

اظهار نظر حسابدار

گزارش بررسیهای مؤسسه حسابرسی و اظهار نظر آن در مورد صورتهای مالی شرکت

accounting year

سال حسابداری (سال مالی)

دوره‌ای دوازده ماهه که لزوماً مشابه سال تقویمی نیست، و شرکتها در گزارشگری مالی خود از آن سود می‌جویند. حسابها و گزارشها معمولاً برای یک سال مالی تهیه می‌شود.

accredited investor

سرمایه‌گذار مجاز

سرمایه‌گذاری که طبق مقررات کمیسیون بورس و اوراق بهادار (SEC) بند D می‌باید تجربه‌های مالی و سرمایه‌گذاری معینی داشته باشد تا اجازه یابد در معاملات عرضه خصوصی سهام (انتشارهای اولیه) سرمایه‌گذاری کند.

accretion

افزایش، نمو

۱- بازده تعدیل شده یک سند قرضه با تخفیف بیش از ۲۰٪ (deep discount bond) پس از انعکاس اثر نرخ بهره مرکب را گویند؛ این افزایش به «تنزیل نشر اولیه» (original discount rate) یا OID نیز معروف است.

۲- هر نوع افزایش در ارزش اقتصادی به هر دلیل را گویند؛ مثلاً، رشد نهال و بزرگ شدن گله و رمه.

۳- مبلغ اضافه شده بر اصل یا درآمد یک صندوق در نتیجه اندوخته‌سازی را گویند که با افزایش قیمت دارایی و تفاوت ارزشهای روز و دفتری فرق دارد؛ مثلاً در صندوق بازنشستگی، افزایش یا نمو می‌تواند حاصل عایدی دریافتی از وجوه سرمایه‌گذاری شده باشد.

accrue

انباشته شدن

مثل انباشته شدن بهره پول، رشد، تزاید، و متراکم شدن بهره بدهی، چه دریافتنی باشد و چه پرداختنی، روز به روز افزایش می‌یابد، در حالی که در عرف دقتداری این افزایش روزانه،

هفتگی، ماهانه، و یا حتی سالانه، بسته به تعداد دفعات تهیه گزارشهای مالی طی سال و یا در هنگام بستن حسابها، ثبت می‌شود. دیگر اقلام انباشته شدنی عبارتند از حقوق و دستمزد، مالیاتها (بر درآمد یا دارایی)، حق الامتیازها، و استهلاك داراییهای ثابت.

accrued interest

بهره متعلقه

آن قسمت از بهره اوراق بهادار با درآمد ثابت که از زمان آخرین پرداخت، جمع شده و هنوز پرداخت نشده است. مالک قبلی اوراق بهادار مستحق بهره‌ای است که به آن تعلق گرفته اما پرداخت نشده است. مالک جدید این بهره تحقق یافته را به مالک قبلی می‌پردازد. کل بهره بعدی به طور کامل به مالک جدید تعلق می‌گیرد، و بدین ترتیب آنچه وی به مالک قبلی پرداخته، به وی مسترد می‌شود.

accumulated dividend

سود سهام انباشته - سود سهام توزیع نشده

سود سهام اعلام شده اما پرداخت نشده به دارندگان سهام ممتاز تراکمی (cumulative preferred stock). سود سهام انباشته باید قبل از پرداخت هر نوع سود سهام عادی مصوب پرداخت شود. اصطلاح dividends in arrears نیز مترادف با این مدخل است و به آن بخشی از سود سهام تحقق یافته روی سهام ممتاز تراکمی برمی‌گردد که هنوز اعلام و تسویه نشده است. این رقم بر حسب سود سهام پرداخت نشده روی هر سهم یا قدر مطلق سود سهام تعریف می‌شود.

accumulation

گردآوری - انباشت

خرید شمار زیادی از سهام یک شرکت بدون اینکه قیمت هر سهم افزایش یابد.

accumulation area

دامنه انباشت

دامنه بسیار باریکی که در آن حدود قیمت سهم طی یک دوره زمانی معامله می‌شود. درخواست خرید سهام به قیمتی خارج از دامنه انباشت، باعث افزایش قیمت سهام می‌شود.

این اصطلاح تقریباً با اصطلاح distribution area یا «دامنه توزیع قیمت» مترادف است.

acquisition

تصاحب - قبضه مالکیت

وقتی شرکتی آن قدر سهم از شرکت دیگر به دست می‌آورد که بتواند عملاً آن را کنترل کند. در شرکت‌های بزرگ، لازم نیست این سهم بیش از ۵۰٪ باشد. آنجا که سهام به طور گسترده‌ای توزیع شده است، با درصدهای کمتر نیز می‌توان شرکتی را کنترل کرد. این اصطلاح غالباً با واژه merger (ادغام) مشترکاً نقل می‌شود. acquisition & mergers یا A&M's (ادغام و قبضه مالکیت). قبضه مالکیت معمولاً بدون توافق هیأت مدیره قبلی و ادغام با نظر دو هیأت مدیره صورت می‌گیرد. اصطلاح take-over تقریباً مترادف دقیق این مدخل است.

across the board

در سرتاسر بازار - سراسری

حرکتی در بازار سهام که عموماً به شکل یکسانی بر تمامی سهام اثر می‌گذارد، خواه در جهت افزایش قیمت و خواه در جهت کاهش آن. اصطلاح Board یا Big Board اصطلاحاتی مترادف بورس اوراق بهادار نیویورک است.

ACRS → accelerated cost recovery system

active bond crowd

گروه اوراق قرضه فعال

آن گروه از معامله‌گران اوراق قرضه در بورس اوراق بهادار نیویورک که فقط روی فعالترین اوراق قرضه معامله می‌کنند. به این عده «گروه کابینه» یا cabinet crowd نیز می‌گویند.

active box

سهام وثیقه - ریش

سهام نگهداری شده توسط مؤسسه کارگزاری به عنوان گرو یا وثیقه حساب مشتری اعتباری این سهام یا مربوط به بدهی احتمالی مشتری به شرکت کارگزاری است یا به معاملات اعتباری سهام او مربوط می‌شود. به هر حال، ریشی است که مؤسسه کارگزاری از مشتری گرو نگاه می‌دارد تا اگر قیمت اوراقی که در آینده معامله کرده (سلم یا سلف) به زیان مشتری تغییر کرد،

زیانی متوجه مؤسسه کارگزاری نشود.

active market

بازار فعال

اگر در بازاری حجم انبوهی از سهام، اوراق قرضه یا کالاهای اولیه معامله شود یا روی انتشار خاصی معاملات وسیع صورت گیرد، به این بازار، بازار فعال گویند. دامنه قیمت (اختلاف بین قیمت خرید و فروش) در بازار فعال معمولاً بسیار کوتاهتر از بازارهای دیگر است.

active trading

مبادله فعالانه - بازار رواج

وضعیت بازاری که در آن سفارش بسیار برای خرید و فروش اوراق بهادار وجود دارد. تعداد خریداران یا فروشندگان، بسته به مورد، فراوان است و معاملات پی‌درپی صورت می‌گیرد.

actuals

آفتاب - مهتاب

سفته بازی روی کالاهای اولیه از قبیل طلا یا شکر به ترتیبی که باعث شود قبل از سررسید تحویل قرارداد، کالای مورد نظر زودتر تحویل شود.

adjusted basis

پایه تعدیل شده

قیمت پایه دارایی پس از احتساب حق‌الزحمه‌های پرداختی، و در مورد سهام، پس از در نظر گرفتن تجزیه سهام (stock split)